

شهر دیوانه

یک کیفرخواست علیه رسانه‌ها

خاطر موفقیت چنین داستان‌های سبک و محبوبی شبکه‌های تلویزیونی و روزنامه‌های سنت‌گرا که محتاج بیننده و خواننده هستند سعی می‌کنند هر چه بیشتر چنین موضوعاتی را دست‌مایه خود قرار دهند، و در طول دهه گذشته این امر بارزترین تحول در مطبوعات بوده است.

گاوراس ادامه می‌دهد: «رسانه‌ها، موسسات برنامه‌ساز نیستند، جدای از رقابت بر سر

مخاطبینی محدود، مشکل دیگری که از برکت تکنولوژی ناشی شده این است که خبرنگار و مخاطب در یک زمان خبر و واقعه‌ای را کشف می‌کنند، دیگر وقتی ندارند تا آن را بررسی کنند و به روشی بهتر آن را بفهمند، کاری که وظیفه خبرنگار است.»

با در نظر گرفتن شیوه تهیه و تولید برنامه‌های تلویزیونی و کاربرد دوربین‌ها، تدوین تهیه‌کننده و استفاده از نماهای زاویه بالا و نیز موسیقی، این فیلم تقریباً برنامه‌های خبری تلویزیون را به هجو می‌کشد. گاوراس همچنین به هنگام محاکمه او. جی. سیمپسون (ورزشکار سیاهپوست آمریکایی) به لس‌آنجلس رفت تا از نزدیک کار دادگاه و ازدحام خبرنگاران رسانه‌ها در خارج از محوطه دادگاه را مشاهده کند. وی می‌گوید: «واقعاً جالب بود. می‌دانم که

فریب دادن تراولتا به او می‌گوید: «توبترین برنامه شهر را خواهی آفرید»، ولی اندکی بعد این برنامه از کنترل خارج می‌شود و با خلق یک تراژدی به اوج می‌رسد.

گاوراس در مصاحبه‌ای با خبرنگاری رویتزر گفته است: این فیلم شباهت‌هایی با ماجرای پرنسس دایانا دارد... ولی در مورد این رویداد خاص نباید زیاد بحث کنیم، چرا که از فیلم بسیار دور خواهیم شد. فیلم با خبرنگاران کنجکاو سر و



داستین هافمن در نمائی از فیلم «شهر دیوانه»...

کاری ندارد. به هنگام انباشته شدن روزافزون اطلاعات و شمار محدود متقاضیان، این فیلم به مجاری سنتی اطلاع‌رسانی و گرایش آنها در ارائه گزارش‌های غیرمسئولانه و احساساتی می‌پردازد. روزنامه‌های سنت‌گرا بیشتر به دنبال درج داستانها و اخبار جالب و جدید می‌روند.

گاوراس می‌گوید: «تراژدی این است که به

پرنسس دایانا (همسر ولیعهد انگلیس) به دنبال یک سانحه اتومبیل به قتل رسید و از همان ابتدا مسئولیت مرگ او بر عهده خبرنگاران کنجکاو که وی و نامزد مصریش را تعقیب می‌کردند، گذاشته شد. اکنون با گذشت چند ماه از این حادثه فیلمی از گوستاو گاوراس با نام شهر دیوانه ساخته شده که به این موضوع می‌پردازد که مطبوعات هم می‌توانند سبب قتل مردم شوند.

شهر دیوانه کیفرخواستی علیه شیوه نشر اخبار

است. در این فیلم جان تراولتا در نقش محافظ از کار برکنار شده موزه‌ای بازی می‌کند که برای بازگشت به کارش گروهی از دانش‌آموزان را به گروگان می‌گیرد و همین امر باعث می‌شود تا خبرنگاران بسیاری در حول و حوش این رویداد به فعالیت بپردازند. به نظر می‌رسد که این داستان صرفاً برای کارگردانی چون گوستاو گاوراس نوشته شده است. فیلم‌ساز جنجال‌برانگیزی که با داستان‌های سیاسی و جالبی چون زد، حکومت نظامی و اعتراف به شهرت جهانی رسید و جایزه جشنواره کان را نصیب خود کرده و

بارها نیز نامزد دریافت جوایز متعددی شده است. این فیلم‌ساز فرانسوی تبار یونان تم‌هایی چون کجراهه رفتن بی‌گناهان، دسیسه‌های سیال، تهدید به خشونت و شاید هم کورسویی از پاکی و طهارت را در این داستان دید و در جالب‌ترین اثر خود به کار برد.

گزارشگر تلویزیون (داستین هافمن) برای

فیلم فارغ‌التحصیل بود واقعاً متعجب شدم و یکه خوردم. خانم خبرنگاری از نیویورک تایمز به آپارتمان آمد و با من یک مصاحبه سه ساعته کرد.»

وی به یاد می‌آورد هنگامی که آن مصاحبه منتشر شد، حداقل در ده قسمت آن دست برده بودند و کوتاه و نامفهوم شده بود. داستین هافمن با تأمل در این باره می‌گوید:

«نمی‌دانم شاید هم طبق گفته آن خبرنگار مصاحبه جدیدی بود و یا گفتگوکننده مشکلی داشت یا حتی سردبیر. واقعاً شگفت‌زده شده بودم که چگونه می‌توان مطلبی را چنین تغییر داد.»

وی که در فیلم شهر دیوانه نقش خبرنگاری بی‌تهد و ناجوانمرد را ایفا می‌کند، یک مأمور امنیتی از کار برکنار شده و پریشان حال را به دام می‌اندازد و در خدمت مقاصد خود بکار می‌گیرد. هافمن می‌گوید: به گروه عکاسان حرفه‌ای که با تعقیب کردن افراد سرشناس به دنبال کسب خبرهای داغ هستند، افراد آماتور و تازه کاری نیز اضافه شده‌اند که به دوربین‌های دستی و ویدیویی مجهزند.

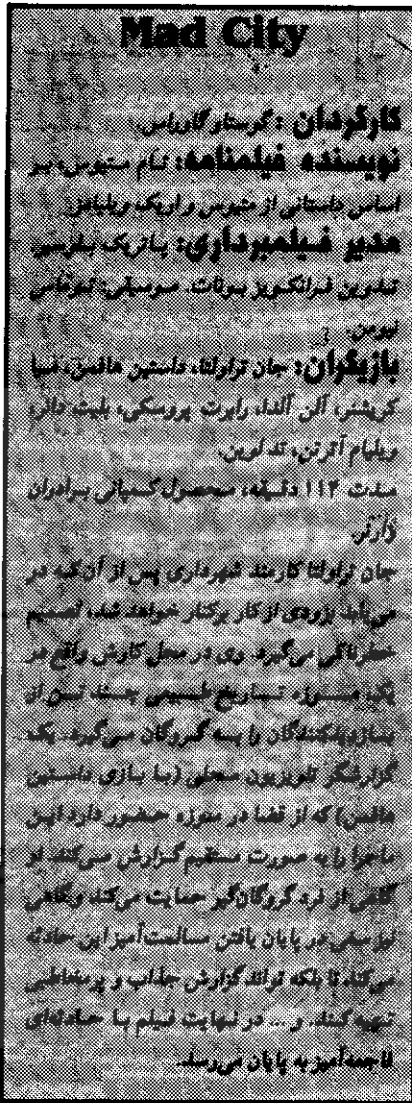
به نظرم حضور افراد معمولی دوربین به دست که در خیابان مرا تعقیب می‌کنند به مراتب توهین‌آمیزتر از وجود خبرنگاران حرفه‌ای و کنجکاوی است که تا امروز مرا دچار دردسر ساخته‌اند.

ناگهان متوجه می‌شوی هنگام سخن گفتن با فرزندان، عده‌ای دوربین به دست چند دقیقه‌ای است که در حال تجاوز به حریم خصوصی زندگی‌ات هستند، متوجه می‌شوی که بیست قدم دورتر فردی مشغول فیلمبرداری از شماست. آنها می‌خواهند در اتاق نشیمن خود بنشینند و به زندگی خصوصی تو خیره شوند. اگر بدانید که این یلا برای شما هم اتفاق خواهد افتاد به شدت عصبانی می‌شوید ولی ظاهراً آنها فکر می‌کنند هر وقت که بخواهند می‌توانند از زندگی خصوصی شما فیلمبرداری کنند. و این تم اصلی فیلم شهر دیوانه است.

شهر دیوانه نیز مستقیماً زوال این حرفه را به نمایش گذاشته است.

نگاه داستین هافمن

چنین به نظر می‌رسد نقش داستین هافمن در شهر دیوانه در خور شخصیت او نیست. وی در این



Mad City

کارگردان: گوراس گوراس

نویسنده فیلمنامه: تام متیوس، بر

اساس داستان از متیوس و رابرت رابرت

هدیز فیلمبرداری: پاتریک بلوچ

تدوین: فرانکویز بولت، سرسلیس، توماس

لورن،

بازیکران: جان ترولند، داستین هافمن، سبا

کرشنر، آلن آلد، رابرت پروسکی، بلت داور

ویلیام آفرن، تد لورن

مدت: ۱۱۲ دقیقه، محصول کمپانی برادران

زاورن

جان ترولند کارمند شهرداری پس از آن که در

می‌باید بروی او کار برکنار خواهد شد، تصمیم

خبرنگاری می‌گیرد. وی در محل کارش واقع در

یک مسوول تساریج طبیعی هستند پس از

بنازی و تکنیکان را به خبرنگاران می‌گوید. یک

گزارشگر تلویزیون محلی (با بازی داستین

هافمن) که از قضا در مسوول حضور دارد این

مأمور را به صورت مستقیم گزارش می‌کند. او

گفتی از فری گروهان گیر حمایت می‌کند و گاهی

از می‌در بیان بافتن سانس است. این حادثه

می‌کند تا بلکه ترولند گزارش جذاب و پرمناظری

تهیه کند. و در نهایت فیلم با حادثه‌ای

لاجه آمیز به پایان می‌رسد.

فیلم به نقش خبرنگاری مزاحم و دردسرساز ظاهر می‌شود که برای تهیه یک برنامه اختصاصی از هیچ کاری روی گردان نیست.

داستین هافمن که از همان ابتدای کار مورد توجه رسانه‌ها قرار داشت خاطره جالبی را نقل می‌کند. او می‌گوید:

«در نخستین مصاحبه‌ام که در ارتباط با ساخت

ن توانستیم بار دیگر آن صحنه را خلق کنیم. تمام سعی و تلاش ما این بود که حال و هوای آن محیط را نشان دهیم. برای آنچه که آنها انجام دادند احتمالاً به ۱۰ میلیون دلار دیگر نیاز داشتیم، ولی مگر این هالیوود همان هالیوودی نیست که به ریخت و پاشهای گزاف و بیش از حد شهره شده است؟»

گاوراس می‌گوید: «لازم بود که بلاخره شخصی این فریاد را سر دهد که آهای هیچ معلوم است که چکار می‌کنیم. واقعاً مضحک است. انگار تمامی چشم‌اندازها از بین رفته‌اند و دیگر کسی به تراژدی‌های انسانی که در مناطقی چون الجزایر و زئیر سابق رخ می‌دهد توجهی نمی‌کند.»

به اعتقاد او اگر رسانه‌ها همانطور که در محاکمه سیمسون و مرگ دایانا عمل کردند، حداقل برای دوزخ، قتل عام‌های آفریقا را تحت پوشش کامل خبری قرار می‌دادند، مسیر بسیاری از امور تغییر می‌کرد.

وی می‌گوید: «اگر آنها همواره با مسایل دیگر مشابه موضوع شاهزاده دایانا برخورد می‌کردند... مردم کانال‌های تلویزیونی خود را عوض نمی‌کردند... من معتقدم اگر خبرنگاران به تشریح آن واقعه (کشتارهای آفریقا) می‌پرداختند و اگر احساسات مردم در سطح وسیعی برانگیخته می‌شد، مسلماً موضوع به گوش سیاستمداران می‌رسید و آنها مجبور می‌شدند واکنشی نشان دهند.»

شهر دیوانه مجبور است فشار مقایسه خود را با فیلم‌های مشابه پیشین هالیوود تحمل کند. گاوراس که از شباهت فیلم خود با آثار مشابه هیچ احساس نگرانی نمی‌کند می‌گوید: «در تاریخ سی ساله سینمای صامت و در سال‌های اولیه سینمای ناطق به هر موضوعی پرداخته شده و تمامی کشفیات را انجام داده‌اند. بدین ترتیب نمی‌توان به کار تازه‌ای روی آورد، مگر اینکه به داستان‌های فضایی و علمی-تخیلی توجه نشان داد و تنها در آن حیطه است که می‌توان به دلخواه عمل کرد.»

اگر فیلم «تمام مردان رئیس جمهور» نشانه دل‌باختگی هالیوود به روزهای طلایی حرفه خبرنگاری در زمان ماجرای واترگیت بود، فیلم